



چماقداری علیه هپکو بی جواب نخواهد ماند!

آتش در عمارت وزارت کار

مصطفی اسدپور

”وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بازداشت کارگرانی که صرفاً برای مطالبات قانونی و حقوق معوقه به صورت مسالمت‌آمیز اعتراض می‌کنند، موکداً مخالف است.“ (سایت خبری ایلنا، ۳۱ شهریور ۱۳۹۸)

فقط حکومت کارگری میتواند!

امان کفا

نیز ابراز داشت که شواهد حاکی از این است که به احتمال زیاد، ایران مسئول اصلی در رابطه با این انفجارات است. صفحه ۳

اسلامی هرگونه دخالت در این رابطه را تکذیب کرده است و حوثی‌ها مسئولیت پرتاب و انفجار را بعهده گرفته اند، ولیکن امروز بوریس جانسون

بدنبال دو انفجار بزرگ در پالایشگاه های عربستان، ترامپ و پمپئو مستقیماً جمهوری اسلامی را مقصر معرفی کردند. گرچه جمهوری

این اظهارات بی کم و کاست از طرف ”کریم یآوری“ مدیر کل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت کار و تعاون جمهوری اسلامی در گرماگرم حمله خونین گارد ویژه به اجتماع اعتراضی کارگران هپکو است. این بیانات متشکل از بیست کلمه در تاریخ ماندگار خواهند ماند. این کلمات مضمون کتیبه ای را خواهند ساخت که در بقایای عمارت نیمه سوخته وزارت کار سمبل نفرت عمیق و سرکش کارگران و انقلاب آنها را به پیشانی جامعه میکوبد. میشود رفت و به بررسی این پا و آن پا و تردید خروش و عصیان گریبانگیر جامعه و مشخصاً طبقه کارگر آن جامعه پرداخت.

میشود از خود پرسید این اقیانوس بغض و ناراضیاتی ره به کجا میبرد؟ میشود از ظرفیت های ضد کارگری حکومت، از دامنه طینت چرکین اسلامی سرمایه، از ابعاد بختک نکبتی که بر هستی و سرنوشت قریب به پنجاه میلیون مردم شریف و زحمتکش چنگ انداخته ناباورانه به صفحه روزنامه جلوی روی خود خیره ماند... اما هنوز جا دارد از خود بپرسید چگونه است که در پاسخ به بیانات آقای مدیر کل، عمارت وزارت کار در آتش نمی

سوزد... صفحه ۶

دو تصویر در قاب هپکو

هیمن خاکی

کارگریست. بعد از اعتراضات دیماه و اعلام هبستگی کارگران هفت تپه و فولاد و متعاقباً اعلام هبستگی وسیع معلمان و دانشجویان، این همبستگی مهر خودش را به اعتراضات کارگری در دوره اخیر زده است.

برخلاف قبل از دی ماه که کمتر شاهد این اتحاد و هم بستگی بودیم امروز شاهد ظهور طبقه کارگری هستیم که نه فقط به عنوان کارگر هفت تپه، فولاد و یا هپکو

اپیزود اول روز سه‌شنبه بیست و ششم شهریور جمعی از کارگران آذربای به نمایندگی از دیگر کارگران این شرکت برای ابراز همبستگی و همراهی با کارگران هپکو به این شرکت رفته و با نصب بنر و سر دادن شعار، همراهی خود را با کارگران هپکو اعلام کردند. اعلام هبستگی و اتحاد سایر بخش های کارگری و حتی سایر اقشار دیگر امروز جزئی جدایی ناپذیر از اعتراضات

ژن های

”مرغوب“

بورژوازی

ایران

فواد عبداللهی ص ۵

بلکه به عنوان بخشی از طبقه کارگر در سراسر ایران خواست و مطالبات و پرچم اتحاد و هبستگی را علم کرده است. این پیشروی به یکی از حلقه های اصلی در مبارزه طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری بدل شده است. .. صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

چماقداری علیه هپکو بی جواب نخواهد ماند!

اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی

اعتراض کارگران هپکو به وعده های دروغین مسئولین و عدم تحقق مطالباتشان با حمله وحشیانه یگانهای ویژه ضد شورش به خون کشیده شد. روز دوشنبه بیش از ۹۰۰ کارگر هپکو برای دومین روز متوالی و در امتداد اعتراضات خود جهت تامین مطالبات شان، از حقوق های معوقه تا عدم تعیین تکلیف سهامداری و مالکیت هپکو و بی مسئولیتی دولت در قبال سرنوشت کارگران این مرکز، دست به اعتراض و تجمع زدند. کارگران علیرغم تلاشهای تا کنونی خود، علیرغم چندین دور مذاکره و گفتگو با مقامات محلی از جمله مدیر کل استان مرکزی و وعده های توخالی او، سرانجام در مقابل وعده های دروغین مسئولین روز دوشنبه ریل آهن شمال به جنوب را مسدود میکنند تا مسئولین جمهوری اسلامی را وادار به اقداماتی عملی به جای وعده و وعید کنند.

نیروهای گارد ویژه به بهانه اینکه بستن ریل آهن غیر قانونی است به آنها وحشیانه حمله کرده و

تجمع آنها را به خون کشیدند. مزدوران یگان ویژه ضد شورش ضمن ضرب و شتم کارگران ۲۸ نفر را بازداشت و حدود ۱۵ نفر از کارگران را مجروح میکنند که تعدادی به بیمارستان منتقل شده اند. حمله به کارگران هپکو و به خون کشیدن اعتراض بر حق آنها در شرایطی انجام میگردد که سران حاکمیت از قوه قضائیه تا دولت و مجلس نشینان، زیر ضرب و فشار طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، زنان و مردان آزادیخواه ناچار به عقب نشینی شده و بر طبل "عطوفت اسلامی" میکوبد. زیر فشار کارگران هفت تپه امروز همگی پرچم کارگر پناهی را بلند کرده و سنگ "درک موقعیت و خیم اقتصادی" این طبقه را به سینه میزنند. جانی ترین و منفورترین هایشان وعده رسیدگی به پرونده کارگران معترض هفت تپه و حامیانشان و دستگیرشدگان اول مه را میدهند. قرار بود شکست خود در تعرض به زندانیان هفت تپه، که با ایستادگی ستودنی هفت تپه ای ها، معلمین، بازنشستگان و

طیف وسیعی از کارگران و مردم آزادیخواه مقدور شد، را به امکانی برای فریبکاری و وقت خریدن و نجات حاکمیت از "بحران هفت تپه" کنند. اما این فریبکاری در اولین قدم و به خون کشیدن اعتراض کارگران هپکو رنگ باخت و بار دیگر چهره کریه ضد کارگری شان نمایان شد. جمهوری اسلامی و دستگاه سرکوب آن با به خون کشیدن اعتراض کارگران هپکو بار دیگر اعلام کردند کارگر برای تحقق ابتدایی ترین حقوق خود جز چماق سرکوب نیست. اعلام کردند عقب نشینی شان فقط درهراس از قدرت طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ممکن است.

اما به خون کشیدن اعتراض کارگران هپکو بی جواب نمی ماند! طبقه کارگر و جنبش عدالتخواهانه این طبقه با اتحاد و همبستگی خود، گارد ضد شورش و مزدوران و اجیر شدگان مسلح و غیر مسلح طبقه حاکم را افسار خواهد زد. بگذار بورژوازی ایران و قوای سه گانه حاکمیت بر خود بلرزند، امروز جوانه

های یک همبستگی طبقاتی وسیع از هفت تپه و فولاد تا هپکو و آذر شهر، از صف معلمین و باز نشستگان تا جنبش برابری زن و مرد و از مراکز تحصیلی تا محلات شهرها، در حال شکل گرفتن است. پیام کارگران هفت تپه به حاکمیت در مورد احکام زندانیان هفت تپه و حمایت وسیع مردم از آنان، پیام حمایت کارگران هپکو از هفت تپه و فولاد، پیام حمایت کارگران آذر آب در حمایت از کارگران هپکو، موج همبستگی با کارگران حق طلب و برابری خواه در این مدت، تنها جوانه یک جنبش عظیم اجتماعی است که نابودی بنیادهای نظام حاکم را نوید میدهد.

کارگران هپکو تنها نیستند! آنها تنها نخواهند ماند! امروز هر اعتراض کارگری برای بهبود زندگی و برای آزادی و برابری، مورد حمایت وسیع بخشهای مختلف این طبقه و مردم آزادیخواه قرار میگیرد. امروز جنبشی برای شکل دادن به یک صف واحد، همبسته و سراسری علیه فقر و بی حقوقی و علیه حاکمیت سرمایه در هر محفل و جمع کارگری در جریان است. جنبشی که نه سرکوب، نه زندان و نه

عقب نشینی های تاکتیکی جمهوری اسلامی نمیتواند آنرا عقب براند. همین حقیقت زمین را زیر پای حاکمیت به لرزه در آورده و سران نظام را در ترس و نگرانی فرو برده و به میلیونها انسان آزادیخواه و طبقه کارگر اعتماد بنفوس برای تعرض های بیشتر را داده است.

طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه و برابری طلب، هر عقب نشینی ولو کوچک جمهوری اسلامی را به سکوی برای پیشروی خود، بسیج نیروی خود، اتحاد و همبستگی و خودآگاهی صفوف خود و ایجاد آمادگی در طبقه کارگر برای سرنگونی و پایان دادن به بردگی و استثمار تبدیل خواهد کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه به کارگران هپکو طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به حمایت از آنها و به تشدید مبارزه علیه جمهوری اسلامی، برای رفاه و امنیت و آزادی فرامیخواند.

آزادی، برابری
زنده باد حکومت کارگری
حزب حکمتیست (خط رسمی)
۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹

مردم، در شوراهای مردمی و مستقل خود مشکل شوید!

فقط حکومت کارگری ...

البته ترامپ هم همچنان که در دوره انتخاباتی اش گفته بود، عملیات نظامی را منوط به پرداخت هزینه آن توسط عربستان کرده است، و اعلام داشت که این عربستان است که بایستی تقاضای کمک نظامی کند! به همین دلیل، در عرض این چند روز، بار دیگر بن سلمان از سران خاندان ها خواسته تا صدها میلیارد دلار اولیه برای عکس العمل نظامی به این انفجارها را فوراً به خزانه مرکزی بپردازند.

از طرف دیگر، جمهوری اسلامی هم که امروز حتی "مشروعیت" خود را در سطح جامعه از دست داده است، بار دیگر بر طبل جنگ می کوبد و با راه اندازی رژه های نظامی و قسم خوردن های سران نیروهای نظامی و سپاه، با وقاحت کامل از جانب کل جامعه ایران اعلام می کند، که نه فقط در ایران بلکه در کل منطقه، آماده جنگ است!

این اولین بار نیست که این دولت ها، نیروهای نظامی خود را آماده کرده و آمادگی خود برای جنگ را ابراز کرده اند، ولی با هر تنش و با هر رودرویی، فضای جنگی و خطر جنگ را بالای سر مردم تشدید می کنند. شکی نیست که کل این

تنش ها، خود بازتاب عدم وجود پاسخی مورد قبول میان دولت های دنیای چند قطبی این دوره است. امروز اما پیشبرد نزاع بین این رقبا از طریق نیروهای پراکسی نیز، رو به زوال است و بعضاً به بن بست رسیده است. القاعده، داعش و حشدالشعبی و غیره نمونه های بارز پایان پروسه جنینی و نوزادی این نیروها، و پوچی تصور "سگ زنجیری" از این نیروها و کنترل مستقیم آنها توسط ایران، عربستان و ترکیه و آمریکا و غیره است. بر خلاف ادعاهای رایج میدیایی، این نیروها، دیگر نه دست نشانده، بلکه هر کدام برای پیشبرد مقاصد خود، در کنار نیروهای اصلی رکاب می زنند. و با هر چه تعمیق بیشتر بحران جهانی، سرعت پایان این پروسه نیز افزایش یابد. در عین حال، همین پروسه، بر نیاز دولت های امپریالیستی و اینجا مشخصاً آمریکا، بر حضور نظامی خود، و میلیتاریزه کردن منطقه و آتش جنگ افزوده است.

امروز، جنگ و آنهم جنگی تمام عیار نه به نفع عربستان و نه جمهوری اسلامی است. پیروزی در چنین جنگی بی معنی است. علاوه بر این، هم جمهوری اسلامی و هم آمریکا بیش از هر دوره

دیگری بدنبال راه حل مذاکره هستند. البته، جار زدن جنگ، خود بخشی از این مذاکره است. تا همینجا، تمامی نقشه های نظامی ترامپ برای همراه کردن قطب های جهانی، شکست خورده است و بیشتر روی آوری به تحریم ها بر ایران را، بمثابة راه مقابله با اروپا و بقیه برگزیده است. جمهوری اسلامی هم، در هراس از گسترش روز افزون مقابله طبقاتی در ایران، و ناتوانی در ارائه هرگونه افقی به جامعه، بیش از پیش نیازمند مذاکره است. بی جهت نیست که همزمان با کوبیدن بر طبل آمادگی نظامی، توقیف کشتی بریتانیایی را لغو می کند، و روحانی دم از "طرح صلح" برای بررسی در سازمان ملل می زند!

اما پیشبرد یک چنین سیاست دو جانبه ای، یعنی خواست مذاکره و در عین حال امتیاز گیری از طریق نشان دادن بازوی نظامی و تحریم، برای هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی، نمی تواند زیاد ادامه داشته باشد، و بایستی، حداقل در کوتاه مدت، به نتیجه ای برسد. اما در همین کوتاه مدت هم، پروسه ای شکننده و در منطقه ای چون خاورمیانه، بسیار خطرناک برای مردم این منطقه است. همراه با میلیتاریزه شدن، هر جرقه

ای، خواسته و یا ناخواسته، می تواند به جنگی خانمان سوز بدل شود. انفجارات در پالایشگاه های عربستان، نابودی مراکز تولید و کار، همچون حمله و بمباران غیرنظامیان، تنها و تنها یک نمونه از این جرقه ها است که تروریسم دولتی و غیر دولتی در منطقه را افزایش می دهد.

در عین حال، مذاکره بین جمهوری اسلامی و آمریکا، آنهم در شرایط پر تنش امروز، خود نیازمند تصویری دیپلماتیک و قابل ارائه به جامعه، بالاخص در ایران دارد. تصویر و نتیجه ای که نه موقعیت ترامپ در آمریکا و نه جمهوری اسلامی در ایران را بیش از این تضعیف نکند، اما، نیاز به نتیجه رسیدن این پروسه، حداقل برای جمهوری اسلامی آنقدر حیاتی است که حاضر است در این پروسه، حتی همان حامیان منطقه خود را نیز قربانی کند!

برای پیشبرد این پروسه است که جمهوری اسلامی از مردم در ایران می خواهد که باز هم به این حکومت "فرصت" بدهند. مدتی است که جامعه در ایران اعلام کرده است که دیگر دوره این "فرصت" ها و مضحکه های انتخابات و غیره گذشته است. طبقه کارگر می تواند این پروسه طولانی و دردناک را یکباره و بطور کامل و قطعی

قیچی کند. جمهوری اسلامی با توافق و یا بی توافق با آمریکا، همچون با برجام و بی برجام، قادر به ارائه بهبودی پایه ای برای اکثریت جامعه نیست. بورژوازی در ایران، با و یا بدون جمهوری اسلامی، قادر به ارائه صلح، بهبود و ترقی نیست. بر خلاف ادعاهای اپوزوسیون بورژوازی، مردم ایران یکبار ۴۰ سال پیش پاسخ قاطعی به حکومت بی عمامه دادند و امروز همه طنین پایان دادن به حکومت بورژوازی با عمامه را در سراسر ایران سر داده اند. بقیه کارگر و حکومت کارگری تنها حکومتی است که نفعی در جنگ های خانمان سوز، جنگ هایی که به از هم پاشیدن شیرازه جامعه می انجامد، ندارد و میلیس توده ای را جایگزین ارتش حرفه ای می کند. این تنها حکومتی است که با از بین بردن نظام کار مزدی، تولید بر اساس نیازهای جامعه را جایگزین تولید برای سود می کند و بهبود اقتصادی، ترقی و پیشروی را میسر می کند. امروز بیش از هر دوره دیگری، دستیابی به صلح، رفاه و امنیت، بمثابة آلترناتیو کارگری در جامعه مطرح شده است، آلترناتیوی که امروز، بر خلاف ۴۰ سال پیش، حزب کمونیستی خود، برای دستیابی به دنیایی بهتر را دارد.

نشور رفاه، آزادی و امنیت را به پرچم خود تبدیل کنید

دو تصویر ...

این موج از اتحاد و هبستگی تمام لایه های بورژوازی چه در اپوزسیون و چه پوزسیون وحتى خود رژیم را به هراس واداشته است. از این رو ما شاهد هستیم که جمهوری اسلامی با اعمال سرکوب و ایجاد تفرقه در درون طبقه کارگر سعی در به شکست کشاندن این همبستگی و اتحاد دارد.

جنبش کارگری در ایران و جهان دستاوردها و تجارب عظیمی دارد. باید در این دوره سعی کرد که این میزان از اتحاد و هبستگی را ارتقا داد و آن را در سطح سراسری تعمیم داد.

ایجاد مجامع عمومی و برپایی شوراهای کارگری در شرایط امروز تنها آلترناتیوی است که می توان با اتکا به آن این میزان از اتحاد و هبستگی را ارتقا داد و مبارزات طبقه کارگر علیه جمهوری اسلامی را به ثمر رساند. جنبش کارگری و مبارزه برای سرنگونی جمهوری

اسلامی در یکی از مهم ترین مقاطع حیات خویش است. تعمیق این اتحاد و هبستگی امروز میتواند نقطه اتکای پیشروی های بعدی باشد. از این رو امروز به هر میزان که طبقه کارگر بتواند این اتحاد و هبستگی را به لایه های متفاوت جامعه تعمیم دهد گام موثری را در مسیر پیشروی برداشته است. کارگران، رهبران کارگری و حامیان کارگران باید امروز پرچم دار این اتحاد و هبستگی در سطح سراسری باشند.

باید در مقابل تمامی توطئه های حاکمیت و هرجناح از بورژوازی پرچم این اتحاد و هبستگی را برافراشت و از آن محافظت کرد.

بدون شک در مسیر پرپیچ و خم این جدال هنوز کم و کاستی های زیادی وجود دارد که باید برآن فایق آمد. اما هم سرنوشتی و اتحاد و هبستگی ای که درون طبقه کارگر و جامعه ایران شاهد آن هستیم برگ زرینی از مبارزه کارگران علیه حاکمیت است.

اپیزود دوم

دو قطبی خصوصی و دولتی با اوج گرفتن اعتراضات کارگری در هپکو و قبل تر در هفت تپه، شاهد بروز دو قطبی خصوصی و دولتی بودیم. بخشی از حاکمیت سعی دارد با ابراز اینکته مقصر اصلی درضعیت کنونی خصوصی سازی و سازمان خصوصی سازی است، سعی در به بیراهه کشاندن اعتراضات و خواست و مطالبات کارگران دارد. امروز کسانی که خودشان سالهاست عامل سرکوب و ارباب هستند در قامت منتقدان خصوصی سازی ومدافعین طبقه کارگر سعی دارند که سیر فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی را با دو گانه خصوصی و دولتی به بیراهه بکشانند. آنها سعی دارند که بحران اقتصادی و سیاسی ای که دامان کل حاکمیت جمهوری اسلامی را گرفته و اعتراضاتی که از دیمه سال نود و شش علیه کل حاکمیت جمهوری اسلامی آغاز شد را با دو گانه خصوصی و دولتی به یکی از جناح ها تعمیم

دهند و خود در قامت دوست داران طبقه کارگر دستان قوه قضاییه را برای مبارزه با ناکارآمدی و مقابله با رانت خواری به عنوان راه احل در مقابل طبقه کارگر قرار می دهند. همان قوه قضاییه ای که چهل سال است به عنوان ارگان اعمال سرکوب و زندان برای کارگران و حامیانشان انجام وظیفه می کند. سیر فروپاشی و سرنگونی جمهوری اسلامی را با دو گانه خصوصی و دولتی نمیتوان مهار کرد. کارگران و رهبران کارگری به روشنی می دانند که در جدال علیه فقر و فلاکت و وضعیت کنونی نه خصوصی و نه دولتی راه حل خروج از بحران کنونی نیست. فریاد کارگران هفت تپه و پرچم حاکمیت شورایی خط بطلانی بر این دو گانه کاذب بود. آنها بی که امروز خصوصی سازی را عامل وضعیت کنونی قلمداد می کنند و یا پروسه خصوصی سازی را در ایران "خصولتی" می خوانند و برناکارآمدی نهاد های خصوصی سازی دست می

گذارند، می خواهند کارگران و جنبشش را با دو گانه خصوصی و دولتی گرفتار دو قطب ارتجاعی کنند. و همچنین واگذاری کارخانه ها به دولت در چهارچوب جمهوری اسلامی را به عنوان راه حل تجویز می کنند. طبقه کارگر امروز این را به خوبی میداند که وضعیت کنونی حاصل چهل سال حاکمیت جمهوری اسلامیست. شعار "اصول گرا اصلاح طلب دیگه تموم ماجرا" خط بطلانی بود بر هر دو جناح حاکمیت. صدای پای سوسیالیسم و قد علم کردن این طبقه با آلترناتیو خود آن علتیست که تمامی جناح های بورژوازی را در ایران به هراس واداشته است. این را عاملین سرکوب و هردو جناح حاکم به روشنی میدانند. هردو جناح هیچ آلترناتیو روشنی برای خروج از وضعیت کنونی ندارند. نه خصوصی و نه دولتی بلکه حاکمیت شورایی تنها آلترناتیوی است که می تواند نوید آینده بهتری باشد.

ژن های "مرغوب" ...



بی آبرو میکند؛ جنبشی که گوشمالی میدهد آنها بی را که جامعه را از تغییرات بنیادین، از حماسه و پیروزی، از خلاصی از نکبت جمهوری اسلامی و نظام بردگی مزدی میترسانند. این جنبش قدرت خود را از خیزش دیمه محرومین میگیرد؛ از پیکار بی وقفه تحرکات و اعتصابات

فولادی ها و هفت تپه ای ها و هپکویی ها میگیرد. پیکاری که مهر خود را بر پیشانی تمام تحرکات اجتماعی جامعه ایران کوبیده است. این جنبش دارد با ظرافت تمام، لایه به لایه، طبق یک منطق طبقاتی قوی و روابط محکم جلو میرود؛ موسیقی و فرهنگ و هنر و ادبیات و کل فضای جامعه را دگرگون کرده است. این

جنبشی است که بر خاکستر سرکوب انقلاب ۵۷، اینبار اما برای پیروزی و نه تراژدی پا به عرشه گذاشته است. این جنبش تاکنون خود را ثابت کرده است؛ این جنبش برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه مرفه، آزاد، امن و سعادتمند، از هم اکنون در تقابل با اپوزیسیون راست قرار دارد. دشمنانش را

میشناسد؛ شانس پیروزی جنبش ما بر جمهوری اسلامی از میان بدر کردن این نیروهاست؛ مرز میان خوب و بد ترسیم شده است، این دوره جدید از مبارزه سر تسلیم در برابر آلترناتیوهای بورژوازی و دست بدست شدن قدرت در بالا فرود نمی آورد.

اینبار، کارگران و کمونیسم در ایران حکم به پیروز

شدن خود داده اند؛ چشم تمام دنیا و منطقه به پیروزی ما دوخته است؛ پیروزی ما، پیروزی جنبشی خواهد بود که در آن توده های وسیع کارگران به گرد حزب آگاه خود، به گرد پیشروان و رهبران راستین طبقه کارگر متحد و متشکل قدرت را تسخیر خواهند کرد.

ما زمین را تسخیر خواهیم کرد.

ژن های "مرغوب" بورژوازی ایران

فواد عبداللهی

"جامعه ما رسیده به نقطه تغییر و تنها نظاره گر اوضاع نیست؛ امروز دیگر کارگر نمیگوید که من کارگرم و وضعیت زنان مسله من نیست؛ یا زنان به گونه ای مبارزه کنند که بگویند کاری به مبارزه کارگران نداریم؛ امروز همه درد مشترک و حمایت از همدیگر را بعنوان یک وظیفه در مقابله با جمهوری اسلامی قبول کرده اند و دارند هزینه اش را میدهند؛ برای همین است که جامعه دارد اعلام همبستگی میکند با بیانیه ۱۴ نفره و میگوید نفر ۱۵ منم؛ جامعه ایران به نقطه ای رسیده که یک جرعه لازمه... کارگران از جمهوری اسلامی عبور کرده اند؛ و میخواهند گذار کنند به یک شرایط دیگری؛ اما سوال اساسی این است که بعد از جمهوری اسلامی چی؟ باید لوازم این کار را داشت؛ تنها دید و نگرش کافی نیست؛ چه چیزی باید جای جمهوری اسلامی را بگیرد؟ جامعه ایران امروز برگشته به اوضاعی که ما همه با هم معترضیم؛ حالا که این شرایط فراهم شده از بسیجی بگیرد تا نظامی و دانشجو و کارگر و بخش هایی از روحانیت همه همدیگر رو پیدا کرده اند در مقابل یک دشمن مشترک؛ حتی آنهایی که صاحب پست های حساسی از لحاظ انتظامی و امنیتی در امور دولت هستند امروز معترض اند؛ این یعنی ما هم ناراضی هستیم. ما هم دیگر باور نداریم و نمیخواهیم. میبایست به اینجا میرسیدیم که رسیده ایم که حتی کسانی که به نوعی در سیستم دستی داشتند، بفهمند که یک جایی بایستی از این نظام ببرند. هرچقدر که این دسته از افراد ناراضیتی و اعتراض و فداکاری مردم را میبینند، بار اخلاقی و وجدانی بیشتری رو حس میکنند و این باعث میشود که

ریزش ها در حاکمیت شروع شود. علتی که من در تمامی این سالها از سیاست نافرمانی مدنی و غیر خشونت آمیز دفاع میکنم بدین خاطر بود که میدانستم که نیازی به خشونت نخواهد بود اگر اکثریت نیروهایی مثل ارتش و نیروهای انتظامی که رژیم فکر میکند میتواند روی آنها حساب کند برای سرکوب مردم فردا نه تنها با رژیم نخواهند ماند بلکه در کنار مردم خواهند بود. بیانیه ۱۴ نفره یک نمونه ای است از این چیزی که من پیشبینی می کردم... "شبکه من و تو - گفتگو با رضا پهلوی

"با توجه به وضعیت حاد بحرانی حاضر به نظر سازمان آبان همه ما باید با قدرت تمام از سپاه و دیگر نیروهای نظامی کشور بخواهیم فورا کودتا کنند و حکومت ضعیف و فاسد آقای روحانی را ساقط نمایند. بعد هم باید فوری از آقای خامنه ای بخواهند که روحانیون را از نظام سیاسی کشور بیرون بریزد. این تنها راه نجات کم هزینه کشور است..." هوشنگ امیراحمدی - دبیر کل اتحاد برای ایران نوین

"ما هشدار می دهیم شیوع جریانهای کمونیستی محصول یک بحران اقتصادی و اجتماعی گسترده است که می کوشد طبق آموزه های مارکسیستی با دامن زدن به تضادهای اجتماعی مانند "کارگر - سرمایه دار" یا "مرکز - پیرامون" وحدت ملی، انسجام اجتماعی و حتی تمامیت ارضی ایران را تهدید کند. مخاطب ما در این هشدار همه ی حاکمیت از دولت و مجلس و شوراها و شهرداری ها و صدا و سیما و قوای قضایی و نظامی و انتظامی و امنیتی و همه ی احزاب سیاسی و نهادهای مدنی از اصلاح طلب تا

اصولگراست که مبادا با نگاه بخشی و جناحی به داستان، اصل ماجرا را از یاد ببرند. نباید به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی های اقتصادی را زیر سوال برد. صدای پای بازگشت سوسیالیسم به گوش می رسد..." بیانیه حزب کارگزاران سازندگی ایران در پی صدور احکام دادگاه متهمان شرکت نیشکر هفت تپه

۱- اینها همه ژن های "مرغوب" جسد گندیده بورژوازی ایران اند؛ روشها، منشا و تاکتیک های پاخته ای که برای نجات هست و نیست طبقه حاکم از تلنگر خیزش های دیمه ۹۶ و عروج طبقه کارگر، حاج و واج، بازاری به هم زده اند؛ ایران جامعه ای در حال انفجار که به قول رضا پهلوی و حزب کارگزاران تنها نیاز به یک جرعه دارد و این جرعه را طبقه کارگر و سوسیالیسم بر پیکر اش می زند؛ این طبقه است که با عزمی راسخ علیه وحشیگری و بی عدالتی حاکمین سرمایه، قد علم کرده تا راهی را به شیوه خود و برای خود به ارمغان آورد و دیگران را هم به همراه خود آزاد کند؛ شلیک تیر حضرات از روی برج مراقبت ویژه از بنیادهای دولت بورژوازی به سمت "خطر" انقلاب کارگری به جایی نمیرسد، تیر مشقی است. یونیفورم حاکمیت شورا و سوسیالیسم و سیاست و تحزب به تن طبقه کارگر ایران آنقدر برانزده است که خواب راحت را از چشمان امثال رضا پهلوی و همه جناحهای بورژوازی ایران گرفته است؛ "خطر" زمین لرزه را هر کدام به نحوی دارند به هم گوشزد میکنند؛ رشته ای همه را به هم وصل کرده است؛ یکی به درگاه سپاه و خامنه ای استغاثه میکند که هر چه سریعتر کودتا کنند؛ دیگری عطای "فراندوم" و "انتخابات آزاد" اش را به لقای بخشیده و همراه با ارتش و بخش هایی از روحانیت و بسیجی ها و قدیم سیستمی ها کفش و کلاه کرده، خردار ایستاده، در فکر نجات پدیده فاسد دولت و

نهادهای حاکمیت بورژوازی است؛ بورژوازی ایران را چه شده است؟! یک بلا تکلیفی فوق العاده!

۲- مارکس میگوید: تاریخ دوبار تکرار میشود؛ بار اول به صورت تراژدی و بار دوم به شکل کمدی! ما اضافه میکنیم که "قهرمانان" این تاریخ نیز دوبار به صحنه می آیند: یکبار در قامت "اسطوره" و بار دوم به شکل یک دلکک؛ و این دقیقاً سرنوشت دپروز و امروز بورژوازی ایران و "اسطوره" ها و دلکک های این طبقه است؛ اما "اسطوره" بورژوازی ایران، خمینی و گوادلوپ بود؛ با خمینی و جمهوری اسلامی بلوغ خود را یافت و تنها در رکاب این جلاد بود که توانستند انقلاب عزیز ۵۷ را به خون کشند تا نفس دولت و ارکانهای حاکمیت بورژوازی را از آماج حمله مستقیم کمونیسم و حاکمیت شوراها ی کارگری بدر برند. اینها "موفق" شدند گریه را دم حجله بکشند؛ برای طبقه کارگر و مردم ایران تراژدی عظیمی بود؛ فراموش نشدنی است؛ اما تجربه قیام بهمن ۵۷ از این به بعد کافی بود تا کودن ترین احزاب و نیروهای طبقه سرمایه دار در ایران سر عقل آیند و فکر قیام، اعتصاب، انقلاب و هرگونه حرکت وسیع توده ای برای اعمال حاکمیت جامعه از پایین علیه دولت را از محاسبات جدی خود در راه سرنگونی جمهوری اسلامی حذف کنند؛ همان ضرباتی که در قیام بهمن به ابزارهای حکومت سرمایه داری وارد آمد کافی بود تا احزاب و نیروهای بورژوازی درک کنند که قیام محرومین قبل از آنکه شیوه "متعارف" برای سرنگون کردن رقبای باشد، شیوه متلاشی کننده و فلج کننده هر نوع حکومت سرمایه داری است؛ بی خود نیست که امروز دلکک های بورژوازی ایران دنبال جانشین برای "اسطوره" شان می گردند؛ از آقای پهلوی تا بیت رهبری در هراس و وحشت از خیزش های دیمه ۹۶ و عروج هفت تپه و فولاد و هیکو و آلترناتیو حاکمیت شوراها، از فکر یک

قیام آنهم یک قیام کمونیستی و کارگری بر خود میلرزد و با تمام قوا میکوشند تا مانع از آن شوند؛ سرنوشت جمهوری اسلامی به گونه ای شبیه موقعیت رژیم سلطنت در سال ۵۶ است؛ همانها که در فکر جانشین برای جسد رژیم شاه بودند امروز نیز در فکر جانشین برای جسد گندیده جمهوری اسلامی اند؛ ظاهراً جای خالی جمهوری اسلامی و آن "اسطوره" را قرار است دلکک هایی مثل رضا پهلوی به همراه تیمسار آقای امیر احمدی پر کنند؛ اینها شکل حاکمیت استبدادی را میخواهند که امنیت سرمایه را تضمین کند؛ سرکوب و استثمار وحشیانه و متمرکز طبقه کارگر، اما مد روز را میخواهند سازمان دهند؛ ظاهر متمدانه تری داشته باشند و زیاد اسیر قید و بند آخوند و آیت الله نباشند؛

۳- اما اوضاع حاکی از آن است که ما به استقبال دور جدیدی می رویم؛ دوره جدیدی از رویارویی طبقات. جنبشی که امروز علیه جمهوری اسلامی میداندار شده، قدرت خود را نه از این دلکک ها و ژنهای "مرغوب" بورژوازی بلکه از سوسیالیسم و طبقه کارگری میگیرد که منفعتی در حفظ نظم موجود ندارد. جنبشی که اگر قدرت را بکف آورد، اقتصاد را به نفع محرومین و به نفع آنان که ناچار به تن دادن به بردگی مزدی و فروش نیروی کارشان شده اند، سازمان میدهد. جنبشی که تولید را برای رفع نیازمندی های شهروندان سازمان میدهد و به تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری ۴۰ ساله بر جامعه ایران خاتمه میدهد. این جنبشی است که بدون قید و شرط مذهب را افسار میزند، آزادی های سیاسی و برابری زن و مرد را تصویب میکند؛ اعدام و شکنجه را ممنوع اعلام کند؛ آپارتاید جنسی را لغو میکند؛ آزادی مطبوعات و تشکل و تحزب و اعتصاب را بی قید و شرط تصویب میکند؛ جنبشی که تحرکات اپوزیسیون راست و سپاه را خنثی میکند؛ "چلبی" های ایران را ...



آتش در عمارت ...
 خیلی خلاصه حمله به کارگران هپکو، یک رویداد مهم دنیای سیاسی ایران، پای وزارت کار در میان است و مهمترین شخصیت این وزارتخانه جلو افتاده است. برسید: "بازداشت کارگران" از کجا آمده است؟ دهها کارگر، بیدفاع و دست خالی به خاک و خون کشیده شده اند. آیا فقط "بازداشت" و آنهم مورد مخالفت وزارت کار است؟ مقامات وزارت کار زیادی دل برای کارگر میسوزانند که بازداشت کارگران در اعتراض به حقوق معوقه بشرطی که مسالمت آمیز باشد را مورد مخالفت و آنهم انصافا مخالفت اکید قرار میدهند. بلاخره کسی پیدا میشود از عالیجناب مدیر کل بپرسد تکلیف عدم پرداخت دستمزد از طرف کارفرما تا چه وقت قانونی است و مطابق این قانون کارگر تا به کی باید بطور مسالمت آمیز دعا و التماس کند و بسوزد و بسازد؟ محض اطمینان خاطر باید یاد آور شد که وزارت کار اکیدا با قراردادهای موقت هم مخالف است، و بعلاوه بارها مخالفت (طبعاً اکید) خود با دستمزدهای زیر خط فقر را اعلام نموده است. همین وزارتخانه (باز هم اکیدا) خواهان آزادی

تشکلهای آزاد کارگری است، مخالف اخراج است و ...!
 واقعیت اینست که این وزارتخانه رتق و فتق امور به نفع طبقه حاکم و به نفع موثر ترین راه استثمار کارگر در کربدورههای قانونی و اداری است. سر دواندن کارگر امر قانون در تمام جوامع بورژوازی است اما در افسار گسیختگی نمونه جمهوری اسلامی نیازی به "حجاب" بیطرفی و اطوارهای "برابری همگانی در برابر قانون" نیست. هر نوع حق طلبی و خصوصاً نوبت به کارگر که میرسد با غربال "مسالمت آمیز" و "اعتراض" سر از اجتماعات "مشکلات خود را به آگاهی مسئولان برسانند" در میآورد. اینجا هم وزارت کار دوان دوان خود را به میکروفن رسانده است تا تکلیف خود را با کارگران روشن کند. یک سر سوزن دفاع و دلسوزی برای کارگران در این موضع گیری نمیتوان سراغ گرفت. این توجیه و مشروعیت سرکوب کارگران است که وزارت کار سهم خود را به بهترین وجه ممکن ایفا میکند. طبعاً انتظاری بی جا است که کارگران هپکو برای اقامه دعوی علیه کارفرما، علیه گارد سرکوب دست به دامن وزارت کار شوند. هر گونه دفاع از کارگران

هپکو مستلزم اینست که وزارت کار خفه خون بگیرد، خنثی گردد و عجالتا به حاشیه رانده شود. دلقک بازی "مخالفت های اکید" فقط "فلفل زردچوبه" مکمل توحش قلیچماق های گردان ویژه است. نه وزارت کار قصد ایفای نقش واسطه و ملایم را دارد و نه (مهمتر اینکه) کارگران به این چوبدستی های پوچ نیاز دارند. این ربطی به دیوار کوتاه کارگر در آن جامعه ندارد، گیرم که اعتراض کارگر را به زنجیر کشیده باشند، گبرم که در وانفسای بیکاری و فلاکت موجود صرف یک شغل، یک مدیر کاردان و غیر "فاسد"، چرخ گردان تولید همانقدر که دستمزدها پرداخت شود ... همه افق تولید و نظم و قانون و رفاه و سعادت و دلخوشی و غرور ملی وزارت کار و حکومت آنرا تشکیل داده باشد، همه ارج و قرب مبارزات کارگری آنجاست افق و انتظارات دیگری را جلوی جامعه باز نمیکند. این اعتراض نمیتواند علیه قانون نباشد، نمیتواند در سرکش نباشد، نمیتواند در چهارچوب "حقوق معوقه" بماند. اما این اعتراض هنوز به وزارت کار و قوانین کار نیاز دارد. صغیر و کبیر طبقه در موازات و برای دفاع و حمایت از پیشتازان

نشریه حکمت

حزب حکمتیست (خراسان)

www.hekmatist.com

سردبیر: آذر مدرسی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistKhatRasmi](https://t.me/HekmatistKhatRasmi)

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

هستند. آقای مدیر کل بهتر است سرش به کار خودش گرم باشد. خود سوزی یک کارگر بیکار میوه فروش جرقه موج اعتراضات کارگری "بهار عربی" شد که دولتهای متعدد را به آتش کشید. در مورد ایران اگر جرقه و آتشی در کار باشد، قدر مسلم نه با خود سوزی یک کارگر بلکه با وسوسه و خبر "وزارت کار در آتش" گره خواهد خورد. هپکو و هفت تپه باید هر قانون و هر روده درازی مقامات عالییه را به بهانه ای برای تجمع و قرق این دفاتر، برای رسوایی و برای ذله کردن حضرات تبدیل سازند. هنوز مجاری قانونی زیادی وجود دارند که میتواند کانال کشیدن شیریه جان حکومت سرمایه در ایران مورد بهره برداری قرار بگیرد. بیمه بیکاری، بیمه های درمانی، بن و یارانه ها از آن جمله

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیونید